

کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان محمد آسگران
 Tel: 0049 1633458007
 E-mail: asangaran@aol.com
 مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدال کلپریان
 Tel: 00358 405758250
 E-mail: abdolgolparian@yahoo.com
 همکاری سر دبیر: بهمن خانی
 E-mail: khani@live.nl

ایسکرا ۳۵۶

اساس سوسیالیسم
 انسان است.
 سوسیالیسم
 جنبش بازگرداندن
 اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

www.iskraa.org

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

چهارشنبه ها منتشر میشود

۱۵ فروردین ۱۳۸۶، ۴ آوریل ۲۰۰۷

سر دبیر: عبدال کلپریان abdolgolparian@yahoo.com

قطعه نامه در مورد شکست سیاسی دولت احمدی نژاد و بحران جمهوری اسلامی

و اعتراضات کارگری در دوره اخیر يك ركن مهم حفظ و گسترش فضای رزمنده و اعتراضی در ایران بوده است. به همراه آن مبارزات و تحرك دانشجویان، اعتراضات زنان و معلمان و بخشهای مختلف مردم در جامعه ادامه یافته و حکومت اسلامی را به استیصال کشانده است. وقوف مردم بر این واقعیت شرایط بسیار مساعدتری را برای گسترش هرچه بیشتر اعتراضات آنها بوجود آورده است. مردم ایران وسیعاً سیاسی و رادیکال و معترضند. این فضای اعتراضی و

جمهوری اسلامی، بحران و کشمکشهای درونی حکومت را تشدید کرده و مساله بقای جمهوری اسلامی را به معضل جدی تری برای حکومت و کل حامیانش تبدیل کرده است. جمهوری اسلامی زیر فشارهای بین المللی، با اقتصادی از هم گسیخته و در شرایط تشدید نزاعهای درونی، مردم معترض و عمیقاً سرنگونی طلب و رادیکال را مقابل خود دارد.

۴- سیاست ارباب جمهوری اسلامی را کارگران و مردم به شکست کشاندند. موج اعتصابات

عقب راندن اعتراضات و مبارزات مردم نیز عملاً به ضد حکومت تبدیل شده است. "بحران اتمی" و تهدید جنگ و عوارض ناشی از آن برخلاف انتظار و محاسبات حکومت اسلامی نه فقط فرجه ای برای حکومت در جامعه ایجاد نکرده و فضای جامعه را بنفع رژیم تغییر نداده بلکه بر انزجار مردم علیه جمهوری اسلامی و همچنین علیه سیاست های "نظم نوینی" افزوده است.

۳- گسترش جو اعتراضی در جامعه و انزوای گسترده بین المللی



شاخص غیر قابل انکار این شکست است. دولت احمدی نژاد علی رغم تشدید اقدامات سرکوبگرانه قادر نشد مردم را مرعوب کند و به عقب براند.

۲- تلاش جمهوری اسلامی برای استفاده از فضای تنش با دولت آمریکا و متحدینش و با اتکا به ایجاد "شرایط فوق العاده" و جو ناسیونالیستی در جهت سرکوب و

۱- سیاست جمهوری اسلامی مبنی بر خفه کردن هر صدای انتقاد و اعتراض و به رعب و سکوت کشاندن جامعه، که قرار بود با روی کار آوردن دولت احمدی نژاد، بستن شمشیرها از رو و گسترش بیش از پیش ترور و زندان و کشتار و اعدام متحقق شود، به شکست کامل رسیده است. فضای اعتراض دائم و گسترش یابنده در جامعه يك

الآن فهمیدم اساس سوسیالیسم انسان است یعنی چی
 یک گفت وگوی اینترنتی
 صفحه ۲

علیه اعدام کودکان در ایران! به کمپین علیه اعدام کودکان پیوندید!
 صفحه ۳

حکم سنگسار عبدالله فوراً باید متوقف شود!
 سنگسار عملی و وحشیانه، شیخ و ضد انسانی است!
 کمیته بین المللی علیه سنگسار
 صفحه ۳

اعتراض کنگره کار کانادا (سی ال سی) به دستگیری صدها معلم در ایران
 صفحه ۴

کشتار بردگان مزدی در نظام سرمایه داری
 جمیل محمدی
 صفحه ۵

پاسخ به یک سؤال
 عبدال کلپریان
 صفحه ۶

تعدادی از معلمان زندانی آزاد شدند هنوز تعدادی از معلمان در زندان اوین هستند

صفحه ۴



آزادی، برابری، حکومت کارگری!

قطعنامه در مورد شکست سیاسی دولت احمدی نژاد و بحران جمهوری اسلامی

جنبش فعال سرنگونی طلبی در عین حال تحقق تمام سناریوهای بورژوازی بند و بست یا تغییر رژیم از بالای سر مردم و علیه مردم را با مشکل جدی مواجه کرده است.

۵- حاکمیت رژیم اسلامی و ادامه وضعیت موجود به ناگزیر به معنای نابودی هرچه بیشتر چارچوبه های زندگی اجتماعی و گسترش فلاکت و فقر و افت معیارهای زندگی انسانی در جامعه است. هم اکنون این پدیده را وسیعاً در جامعه شاهدیم. جامعه ای که در آن فقر و فلاکت و مصائب اجتماعی نظیر تن فروشی و اعتیاد، در کنار جنایت و انواع فساد سرعت گسترش می

یابد. اما جامعه نمی تواند این شرایط را ادامه دهد، این بربریت فقط با سرنگونی انقلابی رژیم پایان مییابد. استیصال و تمکین به این وضع شاخص اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران نیست. پیوستن هرچه گسترده تر کارگران و مردم به صف اعتراض و سرنگونی طلبی و تحول انقلابی جامعه، روند عمومی در اوضاع سیاسی ایران است.

۶- بن بست جمهوری اسلامی تنها بحران یک حکومت نیست. بلکه به معنای بحران حاکمیت کل بورژوازی در ایران است. این حکومت که زمانی برای خفه کردن انقلاب کارگران و مردم به سر کار

خود را در بی اعتباری و حاشیه ای شدن آلترناتیوها و سیاست هایی نظیر "استحاله" و "رفراندم" و "فدرالیسم" و "اصلاحات" و رژیم "چنج" و کودتا و هرگونه سیاست و استراتژی مماشات و تغییر از بالا که جریانات مختلف اپوزیسیون بورژوازی به دنبال آن هستند، نشان میدهد. ایجاد فضای جنگی و بالا گرفتن خطر جنگ خود بیانگر بی آلترناتیوی بورژوازی بین الصللی و استیصال و بن بست جمهوری اسلامی در برابر وضعیت سیاسی موجود در ایران است.

۷- جمهوری اسلامی باید برود. سرنگونی این حکومت به قدرت انقلاب کارگران و مردم یک ضرورت فوری و مبرم در اوضاع سیاسی ایران

است. آلترناتیو سوسیالیستی تنها چشم انداز واقعی و امید بخش برای تامین آزادی و برابری و رفاه در ایران است. حزب کمونیست کارگری یک عامل اساسی در تقویت و تداوم مبارزات و ایجاد فضای رادیکال کنونی است و این افق چپ و سوسیالیستی را نمایندگی میکند. حزب کمونیست کارگری با تمام قوا برای سرنگونی جمهوری اسلامی، تصرف قدرت سیاسی و برپایی جمهوری سوسیالیستی مبارزه میکند و کارگران و مردم را به پیوستن به صفوف خود فرا میخواند.

**دفتر سیاسی
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۸ مارس ۲۰۰۷
۱۳ فروردین ۱۳۸۶**

الآن فهمیدم اساسی سوسیالیسم انسان است یعنی چی

در این شماره از ایسکرا متن گفتگوی اینترنتی من با یکی از خوانندگان نشریه با اسم ناصر را، بنا به اهمیت این گفت و گو انتخاب کرده ام. که در زیر ملاحظه می کنید. در ضمن این را یاد آور شوم که بدون دست کاری، آرا عیناً چاپ کرده ام.

عبدل گلپریان: سلام ناصر جان خوب و خوش هستی؟ امروز سیزده فروردین بود حتماً آبیتر بهت خوش گذشته.

ناصر: سلام به روی ماهت اینجا هوا ابری بود و ما بیرون نرفتمیم عبدل: من این روزها یاد اون دوره هایی می افتم که آگه هوا هم ابری می شد ضمن دلخوری از هوا با دوستان و آشنایان می رفتم آبیتر و دامنه های اطراف. میتونی صحبت کنی؟

ناصر: نه متاسفانه مایک من خراب است. راستی خواستم پرسیم که این عمر ایخانی زاده کیست؟

عبدل: ایشان یکی از افراد سازمان زحمتکشان که به باند مهتدی - ایلخانی موصوم است می باشد. اینها از اون ناسیونالیستهای قوم پرست هستند و همچون طالبانی و بارزانی دارند خواب حمله آمریکا به ایران را می بیند تا بلکه از قبل خانه خرابی

کردیم ماهیت این باند را تا حد زیادی برای جامعه کردستان افشا کنیم.

ناصر: من در مورد احزابی که در کردستان فعالیت می کنند اطلاعات کمی دارم، حزب کمونیست کارگری، نتیجه انشعاب از حزب کمونیست ایران است؟

عبدل: انشعاب کلمه درخوری برای بخشی که از حزب کمونیست ایران که جدا شدند نیست چرا که اکثریت اعضا و کادرهای حزب کمونیست ایران در سالهای ۱۹۹۰ از حزب کمونیست ایران جدا شدند و حزب کمونیست کارگری را بنیاد گذاشتند. دلایل این جدایی موضوع جداگانه ای است که بعداً بطور مفصل تر می توان بدان پرداخت.

ناصر: یعنی افکار کمونیستی همراه با دستاوردهای تکنولوژی روز؟

عبدل: نه به مفهومی که تو می گویی.

ناصر: پس چطوری؟
عبدل: آگه کوتاه و مختصر برات بگم اینه که کمونیسم کارگری در آن دوره تاریخی معین که آمریکا در دور اول به عراق حمله کرد و سپس در عرصه بین المللی هم شاهد فروپاشی شوروی سابق و دیوار برلین، بودیم اوضاع سیاسی منطقه و جهان و فاکتورهای مهم و اساسی دیگری از این دست، آن چیزهایی بود

که حزب کمونیست ایران دیگر قادر به پاسخگویی به آنها نبود. خروج ما از این حزب و تشکیل حزب کمونیست کارگری، اساساً آن حرکتی بود که می بایست به این اوضاع جهانی و منطقه ای پاسخ دهد.

گذشته از اینها سیاست و اهداف حزب کمونیست کارگری در معطوف شدن به جنبش کارگری و جنبشهای اعتراضی - اجتماعی در جامعه نظیر جنبش برابری زن و مرد، دفاع از حقوق کودک، دفاع از خواست و مطالبات جوانان و دانشجویان، همگی اینها موضوعاتی بودند که کمونیسم کارگری می بایست به استقبال آن می رفت تا بتواند منشا اثری در جامعه باشد. اینها از عهده حزب کمونیست ایران خارج بود.

ناصر: یعنی شما سیستم فدرالی را قبول نداری؟

عبدل: فدرالیسم همان ساختار سیاسی است که انسانها و شهروندان جامعه را به دسته بندیهای قومی، نژادی، و غیره تقسیم می کند. برای اینکه بدونی فدرالیسم یعنی چی، می توانی به اوضاع عراق نگاه کنی می توانی فاجعه دهه ۹۰ در یوگسلاوی را بخاطر بیاری تا عمق این تفکر ضد بشری را دریابی. اکنون هم سازمانی نظیر زحمتکشان با این افق پوسیده می خواهد همان خانه خرابی و ایجاد فضای دشمنی در میان مردم را با شعار فدرالی خود به ارمغان بیاورد. ایجاد دشمنی در میان مردم منتسب به

ملیتهای مختلف. ناصر: البته در جایی مثل عراق و کلا کشورهای عربی، پذیرفتن فرهنگ جدید بسیار مشکله و از نظر آنها بها دادن به آدم معنی نداره.

عبدل: ببین ناصر جان مسئله فرهنگ می تواند در یک ظرفیت دیگری مورد بحث ما باشد چه بطور جدا گانه و چه در ارتباط با تاریخ و سیستم حاکم. مشکل در بی فرهنگی آدمها نیست. بلکه در حاکم کردن سیستم و قوانینی است که توسط دولت به مردم در جامعه تحمیل میگردد.

ناصر: . در این رابطه دولت جمهوری اسلامی هم خیلی مقصر است. اکثر بمب گذاریها کار جمهوری اسلامی است.

عبدل: بله همین رو میگفتم که دولتهای سیاه و مرتجع منطقه و سیاستهاشون بانی ایجاد تمام فجایعی است که در منطقه می بینیم. یکی از اونها تروریسم اسلام سیاسی است و دیگری تروریسم دولتی آمریکا. در حال حاضر این دو قطب تروریستی، تا همینجا منطقه خاور میانه را به جهنم تبدیل کرده اند. در این میان دولتهای اروپایی هم با مماشات هایشان در بر خورد به هر دو سوی این جنگ، عملاً به بخشی از آن تبدیل شده اند. اینها مسببین اصلی چنین وضعیتی بر سرنوشت و زندگی مردم هستند. در

از صفحه ۲

الآن فهمیدم اساس سوسیالیسم . . .

پرتو چنین اوضاعی است که احزاب و دسته جات مختلف قوم پرست همانند ویروس های خفته فعال می شوند و خواب خانه خرابی مردم را می بینند. نمونه برجسته آن همین احزاب ناسیونالیست کرد در کردستان عراق هستند.

ناصر: من کمی زیاد قوم پرست هستم.

عبدل: جدی میگی؟ فکر نمی کنم و نباید باشید. می توانی به جای این، انسانیت و انساندوستی را ملاک فکر و عملکرد خودت قرار دهی.

ناصر: منظورم این است که بیشتر کردها را دوست دارم چون در طول تاریخ مظلوم بودند.

عبدل: انسانیت و از موضع انسان نگاه کردن، آن چیزی است که باید بر این کره خاکی سایه بیاندازد. مگر انسانهای مناطق دیگر در

آفریقا و جنوب شرقی آسیا و بسیاری از کشورهای دیگر بهشان ظلم و زور نشده؟ سرخ پوستان آمریکا و به گروگان گرفتن حق و حقوق کارگر، زن و کودک در هر گوشه این دنیا؟ خوب چه کسی در برابر اینها پاسخگوست؟

ناصر: کار مشکلی است.

عبدل: مگر بخش وسیعی در سطح میلیونها نفر مردم جهان در فقر و گرسنگی بسر نمی برند؟ همیشه فقط دست را رو کلاه خود گذاشت و نسبت به این وضع بی تفاوت بود و بعدش هم گفته بشه که مردم کردستان هستند که مظلوم واقع شده اند. در چنین بازار آشفته ای تنها جای انسانیت و قدرت مند کردن جبهه انسانیت است که نه تنها در کردستان بلکه می تواند تمام مناطقی را که به کانونهای بحرانی تبدیل کرده اند متوقف کرد. نمونه

آن جبهه سوم است که در مقابل هر دو قطب تروریستی باید قرار داده شود و آترا تقویت کرد.

ناصر: من فکر می کنم چون شما خیلی وقت است که از ایران دور هستی شاید ندانید که در مورد شاخه مذهبی حاکم صدق نمی کنه. عبدل: ببین ناصر جان هر گونه تقسیم کردن آدمها بر اساس مذهب و یا نژاد و غیره بشدت خطرناک است. هیچ کودکی از بدو تولد، نه مذهب دارد نه نژاد و حتی زبان بلد نیست. تمام اینها را در جامعه ای که در آن زندگی و رشد می کند یاد می گیرد. اگر فرزند شما در همین اروپا متولد می شد، چیزی به نام مذهب اسلام برایش پوچ و بی معنی بود. تلاش و مبارزات تاریخی آزادیخواهان و کمونیستها در اروپا تونست دندانهای مذهب و کلیسا رو بکشه اما در جامعه اسلام زده آنجا که هیچگاه برای مذهب تره هم خورد نمی کردند، فرزند تو را وادار به نماز، حجاب، خرافه و غیره می کنند.

ناصر: آخه اونها مردم مقلدی هستند که هرچه رهبر مذهبی بگوید به اون توجه می کنند

عبدل: دوره نا آگاهی سپری شده و مردم در ایران همپای مردم اروپا، با اینترنت، ماهواره، مدهای روز و گوش دادن به موزیک غربی حرکت می کنند. اما کاری که رژیم می کند این است که دارد با سرکوب و ایجاد فضای رعب و وحشت، برای خود عمر می خرد که اندکی بیشتر به موجودیت سیاه خود ادامه بده.

ناصر: دین و مذهب خط قرمز عبدل: اینها رو سیستم و مناسبات موجود و حکومت ارتجاعی اسلام سیاسی و چنانکه گفتم برای بقای خود اعمال می کند تا از این طریق هم در میان بخشهای مختلف مردم تفرقه ایجاد کند و با راه اندازی اختلافات مذهبی یا اختلافات منتسب به ملیت های دیگر که قوم پرستان هم آن را باد می زنند، مردم را به جان همدیگر بیاندازند. اما خوشبختانه مردم

هوشیارند و ما هم باید بتوانیم این هوشیاری را بیشتر تضمین کنیم تا از پیش آمدن هر فاجعه جبران ناپذیری جلوگیری کنیم. ما نباید بگذاریم که به خاطر این اراجیف عصر حجری، مذهبی، قومی و عقب مانده و پوسیده، انسانها را در مقابل همدیگر قرار دهند و آزادی، برابری و انسانیت را فدای این توحش و بربریت کنند.

ناصر: حالا فهمیدم که اساس سوسیالیسم انسان است یعنی چی؟ عبدل: آفرین دقیقا، خوشم اومد دقیقا همینکه گفتمی بله تمام این بحث و نظیر اینها می خواهد بگوید اساس سوسیالیسم انسان است. میدونی شاید ۱ ساعته دارم باهات چات می کنم. دیگه انگشتام داشت بشدت خسته می شد. اما از اونجا که این بحث توانست تو را به این نتیجه برسونه که اساس سوسیالیسم انسان است یعنی چه، انگشتانم توان بیشتری را برای چات کردن پیدا کرد. ادامه دارد

حکم سنگسار عبدالله فوراً باید متوقف شود! حکم سنگسار عملی و وحشیانه، شیخ و ضد انسانی است!



مینا احدی

است و به "روابط جنسی خارج از ازدواج" اعتراف کرده است. در دادگاه اول، که در آذر ماه ۱۳۸۴ برگزار شد، با اینکه عبدالله اعتراف خود را پس می گیرد و اعلام می کند که تحت فشار این اعتراف نامه را نوشته است، به سنگسار محکوم می شود. و در دادگاه دوم که در دی ماه ۱۳۸۵ برگزار شد، حکم سنگساری تأیید شده است. این اولین باری نیست که دادگاه های اسلامی جمهوری اسلامی، انسانی را به جرم روابط جنسی خارج از ازدواج، به سنگسار محکوم می کند. سنگسار عملی شنیع و ضد انسانی که مردم دنیای متمدن امروز آنرا به شدت محکوم کرده اند و می کنند. ما خواستار توقف فوری حکم سنگسار عبدالله و آزادی وی از زندان هستیم. کمیته بین المللی علیه سنگسار از تمامی امکانات بین المللی خود استفاده خواهد کرد تا موجب آزادی عبدالله از

زندان شود. مردم آزادیخواه، انجمن ها و سازمانهای مدافع حقوق بشر! ما همه شما را فر می خوانیم که به کمپین نجات جان عبدالله بپیوندید. برای لغو حکم سنگسار عبدالله بهر طریق ممکن اقدام کنید. ارسال نامه اعتراضی، پخش خبر این حکم، ملاقات با نهادهای متعدد مدافع حقوق انسانی و اعمال فشار بیشتر بر علیه حکومت اسلامی ایران. این تنها راه نجات عبدالله از سنگسار است.

مینا احدی
کمیته بین المللی علیه سنگسار
۰۳/۰۴/۲۰۰۷
تلفن تماس:
۰۰۴۹۱۷۷۵۶۹۲۴۱۳



عبدالله فرور

علیه اعدام کودکان در ایران! به کمپین علیه اعدام کودکان بپیوندید!

بودند و اکنون که در زندان به بالای سن ۱۸ سال رسیده اند، خطر اعدام آنها را تهدید می کند.

مینا احدی و نازنین افشین جم در ملاقات خود با پارلمان اروپا در تاریخ هفتم فوریه ۲۰۰۷ کمپین علیه اعدام کودکان را اعلام کردند. در همین رابطه قطعنامه ای تهیه شده است که به امضاء نمایندگان پارلمانهای کشورهای اروپایی، کانادا و امریکا و همچنین سازمانها و همه کسانی که مدافع حقوق انسانی و مخالف مجازات اعدام هستند می رسد. هدف زیر فشار گذاشتن جمهوری اسلامی و توقف اعدام کسانی است که در هنگام وقوع جرم، زیر ۱۸ سال بوده اند.

ما همگی را فرا می خوانیم که به این کمپین مهم که گامی بزرگ در راه لغو نهایی قانون مجازات اعدام در ایران است، بپیوندید.

شما هم می توانید به این کمپین بزرگ و انسانی بپیوندید. بهر طریق ممکن کمک کنید جلوی اعدام کودکان در ایران را بگیریم. به جنبش علیه اعدام کودکان بپیوندید!

کمیته بین المللی علیه اعدام
۲۷/۰۳/۲۰۰۷
اعدام کودکان را متوقف کنید
www.adpi.net

اعدام کودکان جنایت علیه بشریت است و جمهوری جنایتکار اسلامی تا کنون کودکان زیادی را اعدام کرده است. اعتراض به اعدام کودکان و زیر فشار گذاشتن جمهوری اسلامی ایران برای لغو احکام اعدام علیه کودکان یک مبارزه گسترده علیه اعدام در ایران است. اخیراً اعتراض به اعدام کودکان در ایران، در سطح بین المللی شدت و گسترش بیشتری یافته است.

نماینده سازمان عفو بین الملل در مصاحبه ای با روزنامه سراسری اکسپرسن به اعدام کودکان در ایران اعتراض کرد و گفت: ایران تنها کشوری است که در حال حاضر کودکان زیر ۱۸ سال را به اعدام محکوم می کند. الیزابت لوفگرگن سپس افزود: "با وجود ممنوعیت بین المللی، حکم اعدام در مورد کودکان زیر ۱۸ سال کماکان در ایران صادر می شود. وی در ادامه توضیح می دهد که چگونه حکومت ایران سعی می کند که قوانین بین المللی را دور بزند. اجرای حکم کودکان زیر ۱۸ ساله را عقب می اندازد تا این کودکان به سن ۱۸ سالگی و بالاتر برسند و سپس آنها را اعدام می کند. رضا علی نژاد و دلار دارابی دو نمونه از نوجوانانی هستند که در هنگام دستگیری، زیر ۱۸ سال



اردیبهشت نیز در مقابل مجلس اسلامی دست به تجمع اعتراضی خواهند زد.

مبارزه معلمان یکی از مبارزات مهم جاری در کشور است که باید مورد توجه فعال بخشهای مختلف جامعه قرار گیرد. حزب کمونیست کارگری، کارگران مراکز مختلف، دانشجویان در سراسر کشور و همه مردم آزادیخواه را به حمایت قاطعانه از مبارزه معلمان و پیوستن به صفوف اعتراضی آنان فرامیخواند.

مرگ بر جمهوری اسلامی آزادی، برابری، حکومت کارگری
زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران
۲ آوریل ۲۰۰۷
۱۳ فروردین ۱۳۸۶

نیروهای سرکوبگر رژیم و دستگیری معلمان، خواستار برکناری وزیر آموزش و پرورش، عذرخواهی رژیم از معلمان و تحقق خواست نظام هماهنگ حقوق ها شد. در این نشست کانون های صنفی معلمان برنامه های اعتراضی خود را برای از سرگیری اعتراضات در هفته های آینده اعلام کردند.

معلمان اعلام کردند چنانچه به خواست هایشان رسیدگی نشود روزهای ۲۷ و ۲۸ فروردین دست به اعتصاب خواهند زد، روز ۱۱ اردیبهشت نیز اعتصاب را ادامه میدهند و روز ۱۲ اردیبهشت در مقابل سازمان های آموزش و پرورش استان و ادارات آموزش و پرورش شهرستان تهران تجمع اعتراضی خواهند داشت. روز ۱۸

جهانی، سازمان عفو بین المللی، دیده بان حقوق بشر، گزارشگران بدون مرز، سازمان قلم جهانی و همچنین سازمان آزادی بین المللی تبادل بیان، می باشند. علیرغم قول های داده شده از سوی وزارت کار ایران به اتحادیه هایی چون آی تی یو سی، فدراسیون بین المللی حمل و نقل (آی تی اف) و آی ال او، این وزارتخانه تاکنون به هیچیک از شکایت ها رسیدگی نکرده است. ما به کار خود با کنفدراسیون بین المللی اتحادیه ها (آی تی یو سی) جهت زیر نظر داشتن وضعیت حقوق کارگران در ایران ادامه خواهیم داد.

من مصرانه از شما میخواهم که جهت تأمین این حقوق و پایان بخشیدن به استفاده از خشونت بر علیه کارگرانی که به اقدامات قانونی جهت دفاع از حقوق خود دست میزنند، اقدام عاجل نمایید.

با احترامات فائقه

کنث وی جورجیتی
پرزیدنت

رونوشت به:

مقامات و قائم مقام های اجرایی سی ال سی

کمیته اجرایی سی ال سی

گای رایبر، رئیس آی تی یو سی

جناب پیتر مک کی، وزیر امور خارجه کانادا

جناب ژان پیر بلاکبورن، وزیر کار کانادا

وزارت کار و امور اجتماعی ایران

فرد ون لیوون، رئیس آموزش بین المللی

تعدادی از معلمان زندانی آزاد شدند

کلیه معلمان زندانی باید فوراً و بی قید و شرط آزاد شوند
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران
۳۰ مارس ۲۰۰۷
۱۰ فروردین ۱۳۸۶

تعداد دیگری از معلمان زندانی آزاد شدند مبارزه معلمان ادامه دارد

بنا به گزارشات رسیده نورااله اکبری، علی پورسلیمان وعلیرضاهاشمی روز ۳۰ مارس (۱۰ فروردین) آزاد شدند. برای معلمان آزاد شده پرونده ساخته شده و آنها را با وثیقه های سنگین آزاد کرده اند.

همچنین تشکل های صنفی فرهنگیان سراسر کشور با صدور بیانیه ای در جلسه ۹ فروردین خود، که با حضور نمایندگان ۳۰ کانون صنفی از سراسر کشور برگزار شده بود، ضمن اعتراض به برخوردهای

نشینیهای بیشتر کرد. خواسته های معلمان خواسته های کل جامعه است. اعتراض به تبعیض و نابرابری اعتراض همه مردم به حاکمان اسلامی سرمایه است. معیشت و منزلت حق مسلم همه است. سعادت و رفاه حق همه مردم است. آزادی و برابری خواست همه مردم ستمدیده و استثمار شده است. فقط مبارزه متحد و سراسری بخشهای مختلف قادر به تحقق این خواستها خواهد بود.

حزب کمونیست کارگری همه کارگران، دانشجویان و مردم آزادیخواه را به حمایت فعالانه از اعتراضات معلمان برای آزادی معلمان زندانی و تحقق مطالبات بحق آنها فرامیخواند. معلمان زندانی و کلیه زندانیان سیاسی باید فوراً آزاد شوند. وثیقه ها باید ملغی شود. هر نوع پرونده برای معلمان و مردم معترض باید ملغی شود. حزب تمام امکانات خود را برای رساندن صدای اعتراض معلمان بگوش سایر بخشهای جامعه و نیز سازمانها، نهادها و مردم آزادیخواه جهان بکار خواهد گرفت.

روز ۲۹ مارس (۹ فروردین) آقای داوری از معلمان دستگیر شده از زندان آزاد شد. آقایان بهشتی، باغانی، قشقاوی، پداغی و کمالی نیز یک روز قبل از آن آزاد شدند. لازم به یاد آوری است اینها معلمینی هستند که در جریان تهاجم وحشیانه رژیم به تجمع معلمین در مقابل مجلس شورای اسلامی دستگیر شده بودند و عده دیگری از جمله آقایان نوراله اکبری و هاشمی همچنان در بازداشت هستند. برای معلمان آزاد شده پرونده ساخته شده و آنها را با وثیقه های سنگین آزاد کرده اند.

معلمان اعلام کرده اند پس از تعطیلات اعتراضات را تا آزادی بدون قیدوشرط کلیه دستگیرشدگان و تحقق مطالباتشان ادامه خواهند داد و رژیم که میداند قادیبه سرکوب حرکت آنها نیست، قصد دارد با این عقب نشینی فضای اعتراضی در میان معلمان را آرام کند، و از طرفی با گرفتن وثیقه از معلمین آزاد شده سایه تهدید را بالای سر آنها نگه دارد. نباید به رژیم این امکان را داد. باید با ادامه گسترده اعتراضات رژیم را وادار به عقب

اعتراض کنگره کار کانادا (سی ال سی) به دستگیری صدها معلم در ایران

این سرکوب به دنبال میتینگ های اعتراضی بیش از ۱۰ هزار نفر در مقابل پارلمان صورت گرفت. در این میتینگ اعتراضی بسیاری از تظاهر کنندگان پلاکارت هایی را حمل میکردند که در آن بعنوان بخشی از کمپین دریافت مزد بیشتر، دولت رئیس جمهور احمدی نژاد را مورد انتقاد قرار میدادند. آنها از وزارت آموزش و پرورش شکایت داشتند که خواسته های آنان را نادیده می گیرد. ما در طول سال های گذشته نامه های چندی به شما نوشتیم مبنی بر اینکه بر طبق اخبار موقش معلمانی که مزد بهتر، تأمین مسکن، رفاه اجتماعی و پایان بخشیدن به قوانین تبعیض آمیز را مطالبه میکنند، مورد تهدید نیروهای امنیتی قرار گرفته

اند.

بار دیگر مصرانه از شما درخواست می کنم که از سیستم قضایی و مقامات امنیتی کشور خود بخواهید تا تمام معلمان بازداشتی و فعالین کارگری را فوری آزاد نموده و همه اتهامات بر علیه آنها را لغو نمایند. همچنین مصرانه از شما میخواهم که احکام صادره بر علیه فعالین اتحادیه ای سقز و سندیکای کارگران شرکت اتوبوسرانی تهران و حومه "شرکت واحد" را لغو نمایید.

بسیاری از سازمان های مستقل بین المللی، تجاوز به حقوق اتحادیه ای را وسیعاً مستند ساخته اند. از جمله این سازمان ها، کنفدراسیون بین المللی اتحادیه ها (آی تی یو سی) و سازمان های وابسته به آن، فدراسیون اتحادیه

۲۰ مارس ۲۰۰۷
آیت الله سید علی خامنه ای رهبر جمهوری اسلامی ایران
جماران
تهران، ایران

آیت الله عزیز:

به نمایندگی از طرف بیش از سه میلیون کارکنان زن و مرد وابسته به کنگره کار کانادا (CLC)، این نامه را مینویسم تا نگرانی عمیق خود را در رابطه با اذیت و آزار و دستگیری صدها معلم در سرتاسر ایران در چند هفته اخیر، و بخصوص در طی اعتراض ۱۴ مارس ۲۰۰۷ که در مقابل پارلمان و وزارت آموزش و پرورش تهران رخ داد، اعلام دارم. بر طبق اطلاعات واصله، در مجموع تعداد یک هزار معلم دستگیر شده اند.

کشتار بردگان مزدی در نظام سرمایه داری

جمیل محمدی

در نظام سرمایه داری اصل و مبنا، انباشت سرمایه و کسب سود برای یک اقلیت است. امنیت جانی و معیشت کارگر و رفاه و آسایش او نزد صاحبان سرمایه جایگاهی ندارد. این که صاحبان سرمایه تلاش می نمایند با کمترین هزینه، تولید اجتماعی را سازمان دهند و تلاش جدی برای تامین امنیت جسم و جان کارگران صورت نمی دهند، ناشی از نگاه ابرازی و ضد انسانی سرمایه به کارگر بعنوان نیروی تولید است. طبق گزارش تکان دهنده ی سازمان بهداشت جهانی که اخیراً انتشار یافته، سالانه یک صد و بیست میلیون حادثه ی شغلی در جهان اتفاق می افتد که در نتیجه ی آن سه میلیون و پانصد هزار نفر از کارگران جان خود را از دست میدهند. (یعنی روزانه حدود نه هزار و شش صد نفر) هم چنین تا یک صد و پنجاه و هفت میلیون نفر از کارگران جهان به بیماری های شغلی دچار می شوند. از سوی دیگر در کنفرانس حفاظت و ایمنی کار در آوریل ۲۰۰۶ با ارائه ی آماري متفاوت با منبع فوق الذکر، اعلام شد که روزانه ۶۰۰۰ نفر از کارگران بر اثر حوادث شغلی یا بیماری های ناشی از کار، جان خود را از دست می دهند. شمار این حوادث در کشورهای به اصطلاح در حال توسعه نسبت به کشورهای صنعتی بسیار بیشتر است. در چین، سال ۲۰۰۱ تعداد حوادث کاری که منجر به غیبت کارگران از محل کارشان شده به شصت و نه میلیون نفر و شمار حوادثی که منجر به مرگ کارگران شده به هفتاد و سه هزار مورد و در برزیل و مکزیک شمار حوادث مرگبار به سی و نه هزار نفر رسیده است.

به راستی کدام جنگ چنین تلفات انسانی بزرگی دارد؟ می بینیم برای مخالفت با جنگ ها، میلیون ها نفر به خیابان می ریزند و از همه جا صدای انتقاد و مخالفت بلند می شود اما گویی کسی متوجه جنگی که موجب مرگ روزانه شش هزار نفر انسان می شود، نیست، حتی خود کارگران. در ایران هیچ منبعی وجود ندارد که آمار واقعی حوادث ناشی از ناامنی محیط کار را بازگو نماید و آمارهای متناقضی ارائه می شود. تنها ۵ درصد از کارگران که در صنایع بزرگ کار می کنند مورد معاینه ی ادواری قرار می گیرند. اما با توجه به منابعی چون سازمان تامین اجتماعی و یا پزشکی قانونی می توان به بطور تخمینی به عمق فجایع ناشی از ناامنی محیط های کارگری در ایران پی برد. بنابر گزارش سازمان تامین اجتماعی، سالانه شمار حوادث ناشی از ناامنی کار رو به افزایش بوده و از شانزده هزار و سی صد و هشتاد و سه مورد در سال ۸۲، به بیست و پنج هزار مورد در سال ۸۵ رسیده است. (روزنامه همشهری ۸۵/۱۱/۴)

بر اساس همین گزارش در سال ۸۴ بیست هزار نفر در اثر حادثه ی ناشی از کار مسموم شده و یک صد نفر نیز جان باخته اند. از میزان بیست هزار مصدومین کارگر، حدود هیجده هزار سلامت خود را باز یافته اند اما از سرنوشت دو هزار کارگر دیگر اطلاعی در دست نیست. و ضمناً موید این مسئله است که آن ها دچار آسیب دیدگی دائم یا نقص عضو شده و قادر به ادامه ی کار نشده اند. البته لازمست یادآور شویم که این آمار تنها مربوط به بیمه شدگان تامین اجتماعی است و با راه گزیهایی که قوانین موجود دست کارفرمایان را در بیمه کردن یا نکردن کارگران باز گذاشته و نیز تنوع وضعیت استخدامی در ایران، بسیاری از کارگران مشمول بیمه ی تامین اجتماعی نمی شوند و در صورت بروز حوادث ناشی از ناامن بودن محیط کار طبعاً نمی توانند به تامین اجتماعی مراجعه کرده و در نتیجه شمار حوادث شغلی بسیار بیشتر از آن می باشد که تامین اجتماعی اعلام می کند.

به عنوان مثال می توان به آماري که توسط سازمان پزشکی قانونی ارائه شده مراجعه کرد (که البته باز هم نمی توان گفت گویای

کل واقعیت است). سازمان پزشکی قانونی اعلام نموده که در سال ۸۳ ششصد و نود و هفت نفر و در سال ۸۴ هشتصد نفر در اثر حوادث و بیماری های ناشی از کار جان باخته اند. اما در آخرین اظهار نظر که توسط مدیر کل بازرسی وزارت کار که اخیراً در کرمان بیان داشته طی یکسال گذشته هزار و یکصد نفر از کارگران ایران بعلت حوادث ناشی از ناایمن بودن محیط کار جان خود را از دست داده اند. سازمان تامین اجتماعی علت بروز ۵۳ درصد از حوادث شغلی را بی احتیاطی کارگر می داند. در شرایطی که کارگران در ایران امنیت شغلی ندارند و برای حفظ شغل خود و راضی نگهداشتن کارفرما دائماً دچار استرس هستند فشار کار و ترس از زیان دیدن کارفرما یا انجام کار برخلاف خواست کارفرما، آن ها را وادار می کند که تنها به فکر حفظ موقعیت کاری خود بوده و خود و امنیت جسم و روان شان را فراموش کنند. از طرف دیگر مجهز نبودن کارگاه ها به وسایل ایمنی و حتی ابزار مناسب تولید، و نبود آموزش در زمینه ی ایمنی کار و هم چنین فشار کارفرما برای انجام کار در کوتاه ترین زمان ممکن باعث می شود که حوادث کاری رشد فزاینده ای داشته باشد. با هر سانحه ی شغلی که اتفاق می افتد، نه تنها جان کارگران بلکه هستی و معیشت آن ها و خانواده

هایشان مورد تهدید قرار می گیرد. چون بعد از نقص عضو یا آسیب دیدگی، کارگران کار خود را از دست می دهند و بلا تکلیف در جامعه رها می شوند. اما صاحبان سرمایه تنها به فکر جیب خود هستند و اگر در بعضی مراکز کاری سیستم آموزشی و ایمنی نه چندان کارآمدی را برقرار نموده باشند، بیشتر از ناحیه دلسوزی برای سرمایه و کسب سود بیشتر است و نه دغدغه ی حفاظت از امنیت انسان ها. رئیس مرکز تحقیقات و مطالعات وزارت کار و امور اجتماعی می گوید: آموزش و ایمنی و بهداشت کار طی ۱۰ سال گذشته بیش از ۵۰۰ میلیارد تومان صرفه جویی به دنبال داشته و چنان چه هزینه های درمان، دیه و فوت، زمان استراحت و کاهش بازده تولید را حساب بکنیم بطور متوسط هر سانحه ی کار ده میلیون تومان هزینه بر کشور تحمیل می کند. تا بحثی از سوانح ناشی از کار می شود فوراً دادشان در می آید که مقصر اصلی خود کارگران هستند و حادثه، بعلت بی احتیاطی کارگر روی می دهد.

کمیته ی مشترک سازمان بین المللی کار و سازمان بهداشت جهانی در تعریف از بهداشت حرفه ای و هدف از آن را این طور بیان کرده اند "بهداشت حرفه ای عبارتست از: علم و هنر تامین بالاترین حد سلامتی برای کارگران،

تطبيق کار با مقتضیات روحی و جسمی کارگران، حفظ سرمایه از طریق ایجاد محیط کار سالم، انتخاب کارگر مناسب برای هر کار و پیش گیری از حوادث و بیماری ها و توجه به مسائل کارگران و افراد وابسته به آنان تا هر کارگر بتواند با برخورداری از حداکثر سلامتی و رفاه، فردی موثر برای اجتماع باشد." این تعریف با توجه به آن که حفظ سلامت کارگر و سرمایه را هم سنگ فرض نموده و بخشی از هدف بهداشت حرفه ای را حفظ سرمایه فرض نموده و به کارگر نگاهی ابزارگونه دارد اما حاوی استانداردهایی است که ما در ایران ردی از آنها نمی بینیم. می توان تفاوت فاحش این تعاریف و اهداف را با واقعیت های موجود در محیط های کارگری ما و آمار ذکر شده مقایسه نمود. تنها زمانی که خود کارگران مدیریت محیط کار و جامعه ای که در آن زندگی می کنند را بدست بگیرند، می توان از بروز فجایع روزمره ای در این مقیاس جلوگیری کرد. برای هر چه نزدیک تر شدن به این هدف و سایر اهداف انسانی، بایستی کارگران، خود را سازمان بدهند و خواسته ها و نیازهای برحق شان را یک صدا و نیرومند بیان کرده و به کرسی بنشانند.

برگرفته از سایت شورا

برنامه های تلویزیون انترناسیونال

برنامه های انترناسیونال همه روزه، تا راه افتادن تلویزیون ۲۴ ساعته حزب در شبکه هات برد، از ساعت ۳ و نیم تا ۴ و نیم عصر به وقت تهران (۲ تا ۳ بعدازظهر به وقت اروپای مرکزی، ۵ تا ۶ صبح به وقت لس آنجلس) از کانال یک پخش میشود. این برنامه هر شب از ساعت ۱۱ و نیم تا ۱۲ و نیم ظهر به وقت ایران، ۱۲ تا ۱ نیمه شب به وقت لس آنجلس، ۹ تا ۱۰ صبح به وقت اروپای مرکزی تکرار میشود. آدرس کانال جدید:

برای تماشای برنامه از طریق اینترنت <http://www.newchannel.tv>

برای تماشای مستقیم <http://www.channelonetv.com>

شماره تلفن تماس با کانال جدید: 001-323 284 42 82

پاسخ به یک سؤال



عبدل گلبریان

شاهواز سنندج در یادداشت کوتاهی نوشته اند:

سلام، خواستم سؤال کنم که فرق استراتژی حزب کمونیست، با کمونیسم کارگری چیست؟

این سوال با حروف ارو فارسی نوشته شده و بنظر می رسد که منظور شاهو عزیز، فرق استراتژی حزب کمونیست ایران با حزب کمونیست کارگری باشد. امیدوارم درست متوجه شده باشم.

عبدل گلبریان: شاهو عزیز، اگر سؤال شما را درست متوجه شده باشم، باید بگیریم تا جایی که من اطلاع دارم، استراتژی حزب کمونیست ایران نه آنچه که خود این حزب ادعا میکند، بلکه پراتیکی است که این حزب دارد انجام میدهد. پایینتر به این اشاره میکنم. ممکن است که شما برنامه و اهداف سیاسی این حزب را هم مطالعه کنی و متوجه این امر شوی که دارد از سوسیالیسم و از مبارزه طبقاتی در برنامه خود می گوید اما ما بین آنچه که در اهداف و استراتژی بیان شده، با آنچه که در عملکرد سیاسی انجام میدهد تفاوت بنیادی و اساسی وجود دارد. برای نمونه شما نگاه کنید ببینید که آنچه را که حزب کمونیست ایران و در استراتژی خود ادعا میکند، تا چه سطحی از نظر عملی در آن دخیل است. ممکن

است برای این حزب تحقق سوسیالیسم امری خوشایند باشد منتها آنچه را که در عملکرد سیاسی برای خود تعریف کرده است هیچ ربطی به سوسیالیسم ندارد. این حزب جناحی از "چپ" ناسیونالیسم کرد است که حضور سیاسی و عملی اش در این جبهه قابل مشاهده است. در همین راستا شما می توانید دوری و فاصله گرفتن این حزب با چپ و رادیکالیسم جامعه را بخوبی ببینید. شما بجای اینکه این حزب را در کنار حزب چپ و کمونیستی دیگری ببیند، تلاشهای مبارزاتی و عملی آنرا در میان احزاب ناسیونالیست منطقه نظیر طالبانی و بارزانی، حزب دمکرات و غیره مشاهده خواهید کرد.

هر از چندگاهی عده ای در میان اینها پرچم ناسیونالیست را بلند می کنند و تلاش شان این است که کپی های دیگری از باند زحمتکشان را در این حزب تکثیر کنند اما بخش "چپ" آن و بنا بر مواضع و عملکرد سیاسی خویش، ناتوان از یک نقد جدی از این ناسیونالیسم هستند. خلاصه کنم و آن اینکه سوسیالیسم برای آنها پراتیک نیست و عملاً با آن سرو کاری ندارند. شما برای اینکه دریابید که این حزب چه استراتژی و هدفی را دنبال می کند، کفایت نگاهی به عملکرد سیاسی روزانه آن بیندازید. کوهی از اعتراضات و مبارزات کارگری در جامعه در حال جریان است، جنبشهای اعتراض و

اجتماعی رادیکال، برابری طلب و آزادیخواه تصویر دیگری از این موج اعتراضی است اما جای پای به لحاظ عملی و دخالتگری را توسط آنها نمی بینید.

آنها جناح "چپ" ناسیونالیسم کرد هستند که بین چپ و راست خود مدام در نوسانند. و چنانکه گفتم سوسیالیسم پراتیک آنها نیست. در نتیجه اگر پراتیک مبارزاتی حزب کمونیست ایران را نگاه کنید، در خواهید یافت که استراتژی این حزب با آن اسمی که بر روی خود دارد و آنچه را که بعنوان اهداف خود ادعا میکند، کاملاً متفاوت است. حال اگر شناخت از استراتژی این حزب را بر اساس عملکرد مبارزاتی آن، بعنوان شاخصی در این شناخت در نظر بگیریم، میتوان به استراتژی دیگری در افق و اهداف این حزب رسید.

به این عملکرد ها اشاره کوتاهی میکنم تا تصویری از استراتژی آن را داشته باشیم.

افق و استراتژی حزب کمونیست ایران، دست یابی به موقعیتی در محدوده کردستان و در جهت کسب تعیین حق سرنوشت برای مردم کردستان است. چندی پیش ابراهیم علیزاده از تلاش برای یک دولت کردی سخن گفت. بنظر شما آیا این تلاش ها ربطی به سوسیالیسم ادعایی آنها دارد؟

در حال حاضر هم، چرتکه انداختن و لم دادن در اردوگاه هایش در کردستان عراق و نظاره کردن اوضاع سیاسی منطقه، دل بستن به احزاب ناسیونالیست کرد، آن موقعیت و شرایطی است که این حزب در آن بسر می برد و عملاً یک

حزب راکد و بی اثر که هر از چندگاهی نیز تعدادی از اعضا و کادرهایش، از بی خاصیتی این حزب و از موضعی ناسیونالیستی، بی ربطی استراتژی کاغذی آنرا به باد حمله و انتقاد می گیرند. نکات بالا تنها گوشه کوچکی از افق، پراتیک و داستان زندگی مسدود و محدود آن است. کل پدیده امروز حزب کمونیست ایران را باید در پرتو این دوری و غریبی شان از سوسیالیسم نگرست. اگر هم افقی را برای خود ترسیم کند، چیزی نیست بجز افق و آرمانهای ناسیونالیسم کرد که در درون این حزب خودنمایی می کند.

امیدوارم تا اندازه ای توانسته باشم استراتژی این حزب در تفاوت فاحش آن با عملکرد سیاسی اش را نشان داده باشم.

و اما در این قسمت به اهداف و استراتژی حزب کمونیست کارگری اشاره ای مختصر خواهیم کرد تا فرق بین استراتژی حزب کمونیست ایران که در بالا اشاره شد، با حزب کمونیست کارگری را متوجه شوید.

استراتژی حزب کمونیست کارگری در برنامه و اهداف این حزب بطور فشرده بیان شده است. اگر بخواهم در یک جمله این اهداف را بیان کنم این است که حزب ما برای تحقق سوسیالیسم، از طریق انقلاب اجتماعی که طبقه کارگر در راس آن قرار دارد و برای کسب قدرت سیاسی، لغو مالکیت خصوصی و برقراری جامعه ای آزاد، برابر و سوسیالیستی مبارزه میکند. حال شاید این سؤال مطرح شود که آیا برای رسیدن به این استراتژی، عملکرد و فعالیتهای حزب

کمونیست کارگری با این استراتژی همخوانی دارد یا نه؟ جواب بدون کوچکترین تردید مثبت است. برای نشان دادن این همخوانی در استراتژی و پراتیک روزمره حزب کمونیست کارگری، به گوشه هایی از این عملکردها اشاره می کنم. درگیر و دخیل بودن حزب در اعتراضات و مبارزات روزمره کارگری، هدایت و سازماندهی این جنبش، کاری است که بعنوان عملکرد روزانه و لحظه ای، در دستور کار ماست. در این رابطه شما را رجوع میدهم به برنامه های تلویزیون انترناسیونال، نشریات و سایتهای حزب، تلاش فعالین این عرصه در درون جامعه.

همچنین تماس و ارتباط تنگاتنگ با فعالین و رهبران کارگری در مراکز کارگری، جلب حمایت و پشتیبانی های بین المللی از مبارزات کارگری، دخالت و تاثیر گذاری بر جنبشهای اجتماعی دیگر (جنبش دفاع از حقوق برابر زن و مرد، جنبش دفاع از حقوق کودک، خواست و مطالبات جوانان و دخالت در امر نجات جان کسانی که به اعدام و سنگسار محکوم می شوند و...)، آن فعالیتی است که عملاً حزب با آن درگیر است. اینها رتوس پراتیک حزب است که من در اینجا به عرصه فعالیت در خارج کشور اشاره نکردم که در همین راستا حزب فعالیتهای وسیع و گسترده ای را تاکنون و با موفقیت به پیش برده است.

امیدوارم توانسته باشم به سؤال شما تا حدی پاسخ داده باشم. منتظر دریافت سئوالات دیگری شما هستم. موفق باشید.

از سایت های حزب کمونیست کارگری ایران دیدن کنید

www.wpiran.org

www.rowzane.com

به ایسکرا
کمک مالی کنید

به حزب کمونیست
کارگری ایران
پیوندید

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!